نگاه

داغی که همچنان تازه است

محمد بستەنگار

این ایام به‌مناسبت شصتمین سالگرد کودتای ۲۸مرداد سال ۱۳۳۲، اسناد جدیدی توسط سازمان‌های امنیتی آمریکا در تکمیل و تایید آنچه در گذشته توسط آنها و دیگر سازمان‌های امنیتی کشور انگلستان منتشر شده بود، انتشار یافت که این دولت‌ها با سقط کردن حکومت ملی شادروان دکترمصدق نهال دموکراسی و آزادی را در ایران نابود کردند.

در ادامه این افشاگری‌ها، باز دیگر در این روزها با این عنوان مواجه هستیم که در جنگ علنی با ایران، دولت صدام‌حسین با حمایت و پشتیبانی آمریکا از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است.

اینک بر دولت منتخب ایران جناب آقای دکتر روحانی و وزیر خارجه ایران جناب‌آقای دکتر ظریف می‌باشد که با مصبوت حاضرطنان و حقوقدان برخوردار شوند. حق شکایتی در مجامع بین‌المللی، هم در مورد کودتای ۲۸مرداد کنند و خواهان خسارتی باشند که در این سال‌های طولانی بر ملت ایران رفته است و هم در مورد خسارت‌های ناشی از به‌کاربردن بمب‌های شیمیایی.

اینک نظرات و دیدگاه‌های خود را در چگونگی کودتای ۲۸مرداد با توجه به اسنادی که از گذشته و حال منتشر شده، بیان می‌دارم.

مبارزات ملت ایران در همه اقشار آگاه و شخصیت‌های برجسته جامعه با رهبری شادروان دکترمصدق علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی بود که منجر به ملی‌شدن صنعت‌نفت و استقرار حاکمیت ملی شد. پیامدی این اقدام، تلقی سازمان‌های جاسوسی آمریکا و انگلیسی با کمک ایادی داخلی آن منجر به کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق و سقوط وی از تخت‌سریری شد که پرداختن به این موضوع، مقالات جداگانه‌ای می‌طلبد که در این ۶۰ سال کتاب‌ها، مقالات و رسالات فراوانی نوشته و اسناد زیادی منتشر شده است.

لیکن من در اینجا به موضوعی می‌خواهم بپردازم که کمتر به آن پرداخته شده است و آن، اطلاعات دکتر مصدق بعد از قیام ملی ۳۰تیر ۱۳۳۱ است که مصدق به آن دست زد و باعث شد مالکان و فئودال‌ها و کسان دیگری که منافع خود را در خطر می‌دیدند تمام تلاش خود را به کار بردند تا دولت ملی را ساقط کنند.

بعد از قیام ملی ۳۰تیر، بلافاصله بعد از اینکه دکترمصدق اختیاراتی از مجلس می‌گیرد و سعی در اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در جهت رفاه عامه مردم و برقراری عدالت اجتماعی می‌کند، از جمله در مرداد همان سال دکتر مصدق برای رعایت حال کشاورزان، قانونی وضع می‌کند که مقدار ۲۰درصد از درآمد مالکان گرفته که ۱۰درصد آن به خود کشاورزان پرداخت شده و ۱۰درصد بقیه صرف اقدامی آن در از قبیل تاسیس درمانگاه، تعاونی مصرف، مدرسه و راه‌آهن آن و همچنین با وضع دو ماده قانونی دیگر، کشاورزان را از بیگاری یعنی کار مجانی گرفتن جلوگیری می‌کند و دیگر اینکه آنان مجبور نیستند در اعیاد و... به‌عنوان پیش‌کش چیزی از قبیل روغن، کره، مرغ، تخم‌مرغ و... به مالکان تقدیم کنند. در زمینه اجتماعی و مدنی هم اداره در ۱۰ دست مالکان گرفته و در اختیار شورایی مرکب از نماینده مالک، کدخدای ده و نماینده کشاورزان قرار می‌دهد یعنی روستایی و دهاتی که تا آن موقع در حقیقت برده مالک بودند یعنی امثال علیرضا سردار فاخرها و... رعایا را برده و زیردست خود می‌دانستند حال باید خود آنها با نماینده‌شان بنشیند در کنار همان رعایا به اصطلاح کدخدای محله نشسته و بصورت برابر و مشترک درباره سرنوشت آن ده و روستا تصمیم‌گیری کنند و معلوم است که مالکان، چنین عملی را برنمی‌تابند و سعی می‌کنند به هر نحو شده راه آن برخورد شده و جلوی اینگونه اقدامات قانونی را بگیرند و در مجلس هجدهم بعد از کودتای ۲۸ مرداد همین مالکان علیه دکتر مصدق داد سخن می‌دهند تا این قوانین لغو شود.

دکترمصدق برای شهرنشینان نیز در بهبود وضع معیشتی آنان تلاش می‌کند و برای اولین‌بار با ایجاد قوانین مترقی سعی می‌کند که حقوق کارمندان جزء و معلمان ابتدایی از یک حداقلی کمتر نباشد زمین‌های زیادی را برای کارمندان فاقد مسکن و خانه با قیمت بسیار ارزان در اختیار آنان قرار می‌دهد. از همه مهم‌تر برای اولین‌بار قانون بیمه‌های اجتماعی را تدوین می‌کند و کارگران و کارمندان مشاغل آزاد، در حمایت بیمه قرار می‌گیرند و از مسایل مربوط به بیکاری، بیماری، ازدواج، فوت و کودن‌دن، زایمان، مرخصی عمومی و سالانه از کارافتادگی و... بهره‌مند شدند و در حمایت همین حقوق از حقوق بازنشستگی برخوردار شدند. کاری که تا آن موقع سابقه نداشته است. در ادارات و وزارتخانه‌ها نیز تلاش می‌شود که حق استخدام با اجرای کارمند از دست یک نفر خارج شده در اختیار شورایی از آن وزارتخانه قرار گیرد.

مجموع این اقدامات و کارهای دیگر، منافع عده‌ای را به خطر می‌اندازد و امام کوشش آنان این است که جلو اینگونه کارها گرفته شود. بعطوری که در همان ماه پس از قیام ملی ۳۰ تیر، دکترمصدق تقاضای تمدید اختیارات می‌کند اما دکتر مصدق را به دیکتاتوری متهم و سعی می‌کنند که برخی از باران وی را از او جدا و او خود همراه کند از قبیل بقایی و مکی. با تمام احوال این مخالفان از مخالفت خود دست برنداشته و سعی می‌کنند نمایندگان سابق را به مخالفت با مصدق و وی علیه دکتر مصدق برانگیزند. تا این برکناری جنبه قانونی پیدا کند بعطوری که در اسناد سازمان سیا که حدود ۱۰ سال پیش منتشر شده چنین آمده است، باید به نمایندگان مجلس رشوه پرداخت شود به همه اساسی کسب ۱۴رای علیه مصدق و نیز تضمین حد نصاب آن چه اقدام علیه قانونی مزبور اتفاق خواهد افتاد که ۵۲ نماینده و مجلس است از نظر سرویس اطلاعاتی بریتانیا باید به ۲۰ نماینده رشوه پرداخت شود (اسناد سازمان سیا ترجمه غلامرضا وطن‌دوست، ص ۱۶۸)؛ دکتر مصدق که متوجه این اقدام سازمان‌های جاسوسی خارجی و عوامل داخلی آنان شده بود به ملت ایران رو می‌آورد و از آنان می‌خواهد که نظر او را مورد تحلیل مجلس بیان کنند. اگر این کار انجام نمی‌گرفت عزل و برکناری دکتر مصدق عملی مشروع با یک چوبه قانونی صورت می‌گرفت.

از طرف دیگر دولت‌های آمریکا و انگلیس که در مناقشات بر سر نفت با یک راه‌حلی که در قالب قوانین منافع ملی خودشان باشد با دولت ملی به توافق نرسیده و موفق نشده بودند - به‌خصوص بعد از روی کار آمدن حزب محافظه‌کار در انگلیس و نخست‌وزیری چرچیل و روی کار آمدن حزب محافظه‌کار و رئیس‌جمهوری آیزنهاور- هر دو به این نتیجه می‌رسند که به هر شکل شده دولت ملی مصدق را ساقط کنند که از جمله اقدامات آنان ایجاد رعب و وحشت در جامعه، قتل افشار طوسی، استیضاح دکترمصدق در پارلمان و... در اینجاست که عوامل داخلی با عوامل خارج از مادها قبل از کودتای ۲۸ مرداد متحد و دوست شده و زمینه‌ساز به‌وجودآوردن کودتای ۲۸ مرداد شدند.

ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه ۷

شعله‌ورشدن آمریکاستیزی

البته در این میان نقش آمریکا را در توطئه‌ها و دسیسه‌های بی‌شمار علیه ایران و ملت ایران چه قبل از انقلاب، چه در دوران انقلاب و چه بعد از انقلاب نباید فراموش شود. آمریکا کودتای ۲۸مرداد را به‌راه می‌اندازد، صدام را سرنگون و شاه را به‌قدرت می‌رساند. ظرف ۲۵سال آمریکایی‌ها منظمه به شاه فرمان می‌دهند که چه کند و چه نکند. به او دستور می‌دهند که اصلاحات ارضی کند (که کشاورزی ایران نابود شود)؛ سازمان برنامه و بودجه را می‌گویند کجا باید کار کند و چه کار کند. توسعه و پیشرفت ایران را بگیرد، رجال وطن‌پرست و ملی را ساکت می‌کند و درعوض عوامل و اوباش و توان‌خوشان را در دستگاه شاه بفشرت می‌رساند. به شاه می‌گویند که با کمونیست‌ها و منطقه کند. صنایع موتاژ وارد ایران کند. صنایع هستای و نیروگاه بوشهر را بسازد که آمریکایی‌ها و غیرمی‌ها فضولات هسته‌ای‌شان را بیاورند در بوشهر از بین ببرند که تا مملکت خودشان آلوده به مواد رادیواکتیو نشود، به شاه می‌گویند که فرهنگ ملی و استلامی را از بین ببرد و به‌جای آن فرهنگ وارداتی غربی را جایگزین کند. بهایی‌ها و یهودی‌ها و صهیونیست‌ها را در ایران سرکار بیاورد و... در دوران انقلاب هم که از او تا به آخر بشتیبانی و او را تشویق و ترغیب می‌کردند که مبارزان و مردم را هرچه بیشتر به خاک و خون بکشد تا برسیم به فهرست طولانی جنایات آمریکا بعد از انقلاب که یک رساله می‌شود؛ از تلاش در واردکردن لیبرال‌ها و بی‌صدر به قدرت تا ایجاد کودتای نوژه، از حمایت از عراق علیه ایران در آمریکا و شروع تحریم‌ها تا جنگ تحمیلی، تا تحریم‌های امروزی، تلاش در کودتای مخملی در جریان انتخابات ۲۲خرداد ۸۸، تهاجم فرهنگی و... بنابراین مخملی است که انتشار اسناد جدید تحولی است که نباید از کنار آن به‌آسانی گذشت و از آن تنها برای دمیدن بر شیپور ضدیت با آمریکا بهره‌برداری کرد.

اما دلیل دیم بری مانور تبلیغاتی رسانه‌های حکومتی پیرامون انتشار اسناد جدید این دلیل خیلی به مساله آمریکاستیزی مربوط نمی‌شود؛ با دست‌کم سه‌تیغیم مربوط نمی‌شود. ظرف سال‌های اخیر، برخی از نویسندگان و صاحبنظران ایرانی به‌تدریج این پرسش را مطرح کردند که براساس چه ما ایرانی‌ها در قبال کودتای ۲۸مرداد می‌گردیم؟ چرا ما ایرانی‌ها در آن روز کجایی کجا بودیم؟ با توجه به اینکه کودتا از نخستین ساعات صبح روز ۲۸مرداد بعنی از حدود ۷/۳۰ الی ۸ صبح توط دسته‌جات چندصدنفری به‌راه می‌افتد و طی ساعات بعدی و نهایتا تا ساعت یک بعدازظهر که کاخ نخست‌وزیری و رادیو به دست کودتاگران می‌افتد و از جمعیت چندصدنفری اولیه طرف چهار، پنج‌ساعت بعد به ده‌ها هزار نفر تبدیل می‌شود، طرفداران دکترمصدق و مخالفان کودتا کجابودند؟

رهبران حبیه، علی، مرحوم آیت‌اله کاشانی، فدائیان اسلام حزب‌توده، حزب زحمتکشان، دکتر مظفر بقایی، حسین مکی، شمس قنات‌آبادی و... کجا بودند؟ آیا نمی‌دیدند دارند کودتا می‌شد؟ آیا متوجه نشده بودند که در ایشان چندصدنفر و نهایتا هزاران نفر تشار شعار مرگ بر مصدق و «جاوید شاه می‌دهند؟

متهم‌کردن آمریکا و انگلستان درحقیقت سرپوشی است که ما طرف ۶۰سال گذشته به‌کار سیناریو تا خیلی به نفش خود ما ایرانی‌ها در جریان کودتا نپردازیم. اما واقعیت تلخ آن است درست است که واشنگتن و لندن کودتا را طراحی کردند، اما اجرای آن را خیلی بی‌کم‌وکاست با سربار آمریکایی یا انگلیسی به‌منظور انجام کودتا به ایران نپاورند. چون با کمال تاسف نیازی نداشتند و دهه‌هاز ایرانی با کمال میل کودتا را برایشان بجاآوردند.

حقیقت تلخی که ۶۰سال است از مواجهه با آن گریزدایم اما ۶۰۰سال هم بگذرد، روزی ناگهاره باید به این پرسش جواب بدهیم که به‌راستی چرا ما ایرانیان آن روز کجا بودیم و چه می‌کردیم؟

ادامه از صفحه ۷

بود؛ به موجه است و همه دنیا کودتاچی را دستگیر می‌کنند. شاه اگر می‌خواست کودتا کند باید صراحتا اعلامیه می‌داد که بنده دکتر مصدق را برکنار کردم اگر کودتا نبود چرا شاه شب قبل از آن به شمال رفت؟ اگر فکر می‌کرد کار قانونی انجام می‌دهد؟

کاشانی: این عزل ونصب‌ها صدرصد قانونی بوده است.

ب) اینکه با دو کامیون سرباز آمده بودند، قانونی و متعارف بوده است؟

کاشانی: اما درباره این دو کامیون سرباز باید اشاره کنم که سرتیپ گیلانشاه مصاحبه‌ای داشت در شهریور یا مهر ۳۲ که هدف ما از فرستادن نصیری یا دو کامیون سرباز این بوده که اگر مصدق قرمان برکناری را بدیرفت این سربازها وبود در سطح شهر و در مکان‌های حساس مستقر شوند تا امنیت شهر حفظ شود تا صبح رادیو بتواند قدرت را به‌دست بگیرد.

باوند: شما در صحبت‌هایتان مدام به حرف‌های کسانی استناد می‌کنید که در کودتا شرکت داشتند از زاهدی گرفته تا گیلانشاه که همگی از عاملان کودتا بودند. اگر شما می‌خواهید مستندانی ارائه کنید باید بی‌طرف باشید.

کاشانی: بسیار حرف خوبی زدید چراکه من سند دیگری دارم و می‌خواهم آن را ارایه کنم و بعد آماده‌ام تا هر پرسشی را پاسخ دهم. در این زمینه اعترافی وجود است از شخص دکتر مصدق در آبان ۳۲ در جلسه دادگاه نظامی ایشان در مورد انهامی که به سرهنگ نصیری زده در مورد کودتا. در این جلسه انهام را پس گرفته و می‌گوید من یک در انهمی محکو طو خانم گذاشته بودم که باز کردنش حداقل یکساعت طول می‌کشید ولی آن شب خوم دستور دادم در را باز کردند و از جناب افسر گارد شاهنشاهی با احترام به منزل من آمد. من از شاه در آن شب گزارش کردم معلوم بود که سفید هم بود و سفرهای آخر را گسگاشتاد نوشته‌اند می‌بینیم که این حرف را دیگر گیلانشاه با نصیری نزده است. حالا من چه سندی برای شما ارایه دهم که ماموریت نصیری اولاغ فرمان شاه بوده و او هم ماموریتش را انجام داده و رییس کارگ شاهنشاهی برای اولاغ فرمان هیچ معنی هم نداشته چون صبح روز ۲۳ مرداد سرهنگ نصیری به کلارمنت رفت فرمان‌ها را از شاه گرفته و اورد یکی را به راهدی اولاغ کرده و یکی را هم به مصدق و الرما اولاغ فرمان که نباید از طریق یک فرد غیرنظامی باشد.

باوند: در زندان در زمان استالین کامیونف، زیونیوف و... همه اعلام کردند که ما جاسوسیم. آنچه در دادگاه‌های نمایشی در شرایط خاصی آن‌ها را مجبور می‌کنند که بگویند قابل انکا و اعتماد نیست. در هیچ کجای دنیا مطالبی که در دادگاه‌های نیش باشد مستند نیست. شما تاریخ شوروی را مطالعه بفرمایید همه اعتراف می‌کنند که ما جاسوسیم و همه هم اعدام می‌شوند. کسانی که در دادگاه‌ها اعتراف می‌کردند که ما جاسوسیم بوده‌ایم و خطوط گسگاشتاد و عجولانه نوشته شده بودند که اگر درست باشد خودش دل بر طرح کودتاست.

کاشانی: اولا مصدق دریافت فرمان را انکار نمی‌کند و به آن اقرار می‌کند. این دیگر حرف دادگاه نظامی نیست دادگاه نظامی مصدق هم دادگاه استالینی نبوده البته در دوران استالین جنایات بسیاری شده. افراد فراوانی را کشتند و اعدام کردند و اگر دادگاه‌های مصدق خوش، وکلایش و خبرنگاران بودند و این حرف را هم من از خودم نمی‌زنم بلکه سرهنگ بزرگمهر که مخفی، فنایی و وکیل مصدق بوده در کتاب محاکمات مصدق خودم و هیچ‌کس هم در مورد این موضوع شک نکرده اما اینکه مصدق می‌گوید زمانی که فرمان را دیدم تصور جعل کردم، حرف قابل یحثی است که آیا فرمان جعلی بوده یا نه. اولا این اعتراض تصور جعل ادعای کودتا را نفی می‌کند چرا که زمانی که فرمان را دریافت می‌کند در جواب می‌نویسد دستخط مبارک. کسی که می‌نویسد دستخط مبارک یعنی به آن اعتماد دارد و ثانیا اگر شک داشت می‌توانست برود از دربار بپرسد یا با شاه تماس می‌گرفت و می‌پرسید که آیا این فرمان را شما صادر کردید؟

ج) علت خروج همان شب شاه از ایران چیست؟

کاشانی: من دلیل آن را هم به شما توضیح می‌دهم و می‌خواهم به شما ثابت کنم استادی که سیا مستمر کرده برای فریب ملت ایران است.

ط) همان شب به منزل بدر خانم دکتر فاطمی، وزیر خارجه، حمله می‌شود و دکتر فاطمی را با لباس خواب و در شرایط بسیار بدی به بازداشتگاه می‌برند. آقای کاشانی شما باز هم اصرار دارید نظامیان در این رویداد نقشی نداشتند؟!

کاشانی: این مورد را هم توضیح خواهم داد. اما در ادامه صحبتم می‌خواهم بگویم که اگر مصدق تصور جعل داشت اولین کاری که باید می‌کرد این بود که در هیات دولت وارد می‌شد.

باوند: وقتی سرهنگی با چتال حکمی و با دو کامیون سرباز در خانه می‌آیند دیگر جایی برای هیات دولت باقی نمی‌ماند و تصمیمات در همان شرایط و با توجه به رویدادها گرفته می‌شود. در این شرایط که نمی‌توان هیات دولتی تشکیل داد وقتی کودتا می‌شود دیگر محلی برای این کارها باقی نمی‌ماند.

کاشانی: هیات دولت صبح ۲۵مرداد در خانه مصدق حضور یافتند و صورت جلسه و اخبار روزنامه‌های چون اطلاعات و کیهان و استامل مربوط به آن زمان چاپ شده است بنابراین هیات دولت در خانه مصدق بودند ولی اینش به هیات دولت ورود کرده و ادعای جعلی‌بودن فرمان را که سه ماه ادعا کرد را با هیات دولت در میان نگذاشت.

باوند: در اینجا فرایند مهم اصلا مدون مقاله‌ای که من نوشته‌ام این است. برانداری نهضت مردم ایران. براندازی را که مردم و اولقلاوایش انجام نمی‌دهند بلکه کارگردانی این توطئه را انگلستان بر عهده داشت.

باوند: به دست کی؟

کاشانی: به دست شخص مصدق به اعتقاد من مصدق همسو با انگلستان بود.

ی) یعنی دکتر مصدق با همکاری انگلیس برنامه‌ریزی کرده بود که همزمان به خانه خودش و دکتر فاطمی حمله شود؟

کاشانی: آیا شما هنوز معتقدید که به خانه مصدق حمله شد؟

ک) به چون از توضیحات شما قانع نشدم.

کاشانی: ممکن است که هرگز هم قانع نشوید ولی من این را حق شما می‌دانم که هر نظری که می‌خواهید داشته باشید ولی به واقعیت توجه کنید که نصیری دستور را اولغ کرده

> **سرهنگ نصیری شخصا به در خانه مصدق رفت و این دو کامیون سرباز دو گوجه پایین‌تر نگه داشته شده بودند بعد وقتی که حکم را ابلاغ کرده رسید دریافت می‌کند و در حال بازگشت به مقرش بوده که به او دستور می‌دهند به ستاد ارتش مراجعه کند و مصدق هم با یمن‌رود با اینکه می‌برند و تحویلش می‌دهند**

نصیری است که قرار بوده مصدق را بازداشت کند. قسمت دیگر مربوط به افسران گارد شاهنشاهی است که فاطمی و مهندس زیرکزاده را دستگیر کردند من به امنیت این مطلب هم شک دارم چون عده‌ای از پژوهشگران در کتاب خود این واقعه را زیر سوال برده‌اند اما من این اگر چنین هیچ بود ساعت ۱۱ شب ۲۳مرداد که راهدی فرمان نخست‌وزیری گرفته، نخست‌وزیر بوده و قرین کنیم که دستور داده باشد که حسین فاطمی را هم دستگیر سناریو لحظال مجلس را طراحی و مصدق آن را اجرا کرده بود که به معنای کودتا نیست. زمانی هم شبانه به خانه آیت‌اله کاشانی رفتند و ایشان را دستگیر و تبعید کردند، ولی گفته نمی‌شود که کودتای صورت گرفته است.

ح) سمت ایشان آن زمان چه بود؟

کاشانی: رهبر مبارزه بودم.

ط) وزیر خارجه مملکت را دستگیر می‌کنند بعد شما می‌گویید که کودتایی نشده است. مگر نخست‌وزیر بعد از کودتا بازداشت دارد؟ از کدام داشاه حکم بازداشت دکتر فاطمی را داشتند؟

کاشانی: بازداشت غیرقانونی بوده که در نخست‌وزیری بوده است.

ی) چطور نخست‌وزیری بوده که در مخفیگاه بسر می‌برد؟ سیاسیها گرد که و پس از شکست کودتای ۲۵مرداد زاهدی را جابه‌جا مخفی کرده است.

کاشانی: اجازه دهید دیرتر اسناد را به‌هم حصحت می‌کنم.

ک) چوهه اسنادلائل این است که زاهدی به عنوان نخست‌وزیر از ساعت ۱۱ شب ۲۳مرداد حق بازداشت هم دارد؟

کاشانی: ممکن است حق بازداشت نداشته باشد و صدرصد بازداشت دکتر فاطمی غیرقانونی است. اما آن زمان که دستگیر شدند دیگر وزیر نبودند. یعنی بعد از اینکه زاهدی وزیر شده نه مصدق و نه وزرایش، وزیر نبودند اما فرض که غیرقانونی بازداشت شدند، این دلیل وقوع کودتا نمی‌شود.

ل) آیا این نارضایتی مردم از دولت دکتر مصدق تحرکی هم در پی داشت؟

کاشانی: شما در اثر توقل تبلیغاتی که در طول ۶۰سال برای مصدق شده باورها و اعتقاداتی دارید اما اساس نباید به اعتقاداتی که بر او تحمیل شده یابیند بمانند و باید بازنگری در باورهایتان داشته باشید و در غیر این صورت دیگر آزاداندیشی معنایی نخواهد داشت.

ط) شما پاسخ مرا ندادید که چه نفعی برایش داشته که سه سال زیاتی باشد و در نهایت در تبعید بمیرد؟

کاشانی: اولا مصدق از نتیجه رفراندوم و منحل کردن مجلس آگاه بود چون خاطرات دکتر صدیقی و سنجابی هست که به مصدق می‌گویند اگر تو مجلس را منحل کنی شاه تو را برکنار خواهد کرد. بنابراین اگر بگویید استناد کرده قابل قبول نیست اگر بگویید علیه خودش کرده قابل قبول نیست چون در حقیقت او برای سیاستی کار می‌کرد است.

باوند: دکتر مصدق قبل از ۳۰ تیر استعفا داد چه کسی اقدام کرد که باید بازگردد تا این برنامه را اجرا کند؟

کاشانی: آیت‌اله کاشانی

باوند: پس کسانی که تلاش داشتند مصدق را بازگردانند در واقع تلاش می‌کردند که علل انگلیسی را اجرا کنند.

کاشانی: این آخرین استدلال مستانست اما من درباره این استدلال شما هم توضیح می‌دهم. آیت‌اله کاشانی و مجلس خواهان برکناری مصدق از نخست‌وزیری نبودند البته یکی از نمایندگان مصدق را استیضاح می‌کند. استیضاح هم حق هر نماینده‌ای است کسی هم نمی‌تواند مانع از این حق شود.

ط) یعنی به تعبیر شما دکتر مصدق قبل از ۲۸ مرداد برای ملی‌شدن صنعت نفت تلاش می‌کنند کار به انگلستان تمام نبروی خود را برای توقف آن به کار می‌گیرد، سوال من این است که این کشیا مهره اساسی‌ترین کودتا بود و دکتر مصدق را برانداز کرد، اما با این درضی آورد، بعد کمک می‌کند برای انحلال دولت خودش و سرانجام هم به صورت اختیاری در زندان می‌میرد؟ این تناقض را چگونه توجیه می‌کنید؟

کاشانی: اگر تنها به یک واقعیت درست بپردازید بعنی وقایع نیز و مرداد سال ۳۲ آن زمان می‌توان دیگر ربط‌ها را درست آنالیز کرد.

ط) سوال من اینجاست که در مقابل دستگیری (ملی‌کردن صنعت نفت ایران) که همه مردم با آن آشنا هستند چرا باید چنین فردی با آن سابقه که کاملا در عمل علیه منافع انگلستان عمل کرده، همدست و هم‌رشته می‌شوند؟

کاشانی: ۰خلال است که می‌گویند علیه مصدق کودتا شده است و آقای باوند هم می‌گویند که این کودتا برای دکت جهانی است که بیگانه به اعتقاد من بی‌بی‌سی است. در همین مرداد ماه جاری VOA برنامه‌های بخش کرد و یکی از افرادی که با این شبکه صحبت کرده است می‌گوید بدون حضور آیت‌اله کاشانی و حمایت‌های گسترده آیت‌اله بهبهانی و تا حدودی آیت‌اله بروجردی و بسیاری از روحانیون کودتای ۲۸مرداد نمی‌توانست موفق شود. علما و مراجع تقلید را متهم به کودتا می‌کند و بی‌بی‌سی هم سخن از کودتا می‌گوید! آیا این سخن درکی چهانی؟

ط) سوالم را تکرار می‌کنم شما می‌گویید دکتر مصدق فرآیندی را دنبال کرده است تا دولت را به سپهبد زاهدی بسپارد چرایی این موضوع را بفرمایید که این کار چه منفعت شخصی و گروهی برای ایشان داشته است؟

کاشانی: من می‌گویم انحلال مجلس مقدمه‌ای برای صدور فرمان نخست‌وزیری زاهدی بود.

ط) من می‌گویم انحلال مجلس فراهم شود، خوشبختانه خاطرات صدیقی موجود است که گفته استماعا خواهد داد چون در مجلس بادار شده بوده که این دولت به هیچ عنوان قصد انحلال مدنظر و صدیقی در خاطراتی در خواست می‌کند که تا رو زیر هم بسر کند تا ما هم بدانیم کسانی که در مجلس با صدیقی و هم سنجابی این نکته را به مصدق یادآوری کرده بودند که اگر مجلس را منحل کند شاه هم دستور عزل مصدق را صادر خواهد کرد.

ی) از طرف دولتی مصدق سناریو نمایشی انحلال مجلس را بازی کرد ۳۲ نفر از نمایندگان در برابر استادند چون ۵۷ نماینده استعفا کردند و سرانجام با رفراندوم آیت‌اله کاشانی در بیانیه مصدق که در اینباره صادر کرد این حرکت مصدق را قیام علیه نهضت مشروطه اعلام کرد. سیدابوالقاسم حائری‌زاده رهبر فراکسیون آزادی می‌گفت که انحلال مجلس قیام علیه حکومت ملی است و قیام علیه حکومت ملی طبق ماده۲۸۶ قانون مجازات عمومی آن زمان کیفرش اعدام بوده است. دکتر بقایی روز ۱۳ مرداد نامه‌ای به صدیق نوشتند و از خواهش کرد که نتایج رفراندوم را اعلام نکند تا مصدق توفقه بشد. دکتر بقایی در خاطرات تاریخی را انجام دهد ولی صدیقی به حرفش گوش نکرد و نتیجه رفراندوم را عصر روز ۲۳ مرداد اعلام کرد و شاه هم‌بی‌درنگ در صبح ۲۴ مرداد حکم نخست‌وزیری زاهدی را صادر می‌کند. در همین زمینه با این نکته توجه کنید که اگر مجلس منحل نشده بوده شاه نمی‌توانست فرمان نخست‌وزیری زاهدی را صادر کند به همین دلیل روی مصدق کردن مجلس سرپوش گذاشته می‌شود و در هیچیک از کتاب‌های تاریخی اشاره‌ای به آن نمی‌شود.

باوند: بنظرم بی‌نظم لطفکنیم‌ها بود و خیلی‌ها در این توطئه شرکت داشتند. همان‌طور که در اسناد منتشر شده یکی از راه‌های سقوط مصدق انحلال مجلس بود. اگر خاطران باشد چون درآمد دولت قطع شده بود بیاز به مسود اسکناس داشت و اگر قرار باشد لب اسکناس آشکار شود ارزش پول سقوط می‌کند و جامعه از لحاظ اقتصادی دچار رکود می‌شود و به همین دلیل حسین مکی حتی در مجلس انتخاب می‌شود برای نظارت بر اندوختن لب اسکناس. و در مجلس حسین مکی بیشترین رای را آورد و دقیقا مصدق بود برنامه‌ای که از طریق آن می‌خواستند عملیاتی کنند به چه نتیجه‌ای منتج خواهد شد.

کاشانی: یعنی معتقدید چون حسین مکی در مجلس با رای بالا انتخاب شد تا بر جلب بودن بشنواند انحلال مجلس نظارت کند پس مصدق حق داشت مجلس را منحل کند؟

باوند: نه خیر عرضم کرد که بود این دلیل که درآمدش قطع شده بود مجبور شد که لباس چاپ کند و همه دولت‌ها در این شرایط این کار را انجام می‌دهند اما اگر این کار به جامعه آشکار می‌شد در نظرش زیان پایین می‌اید و جامعه دچار آزمغبوسگی می‌شد از هم جامعه‌ای که در حال جنگ با دشمنان خارجی بود. دکتر مصدق اگر آنگریت مبارز با جلوه داشت و اکتریت به مکی رای بالا نمی‌داد دلسوزان به‌گونه دیگری فرق می‌کرد چراکه مکی ماهها بود که مصدق مبارزه می‌کرد.

ط) آقای کاشانی معتقدید دکتر مصدق با انحلال مجلس قصد داشته زمینه برکناری خود را فراهم کند. آیا اینگونه بوده است؟

کاشانی: آقای کاشانی یک نظریه داشتند که کلاتین جریان‌ها توطئه انگلیسی‌ها بوده و مصدق نیز عامل انگلیس بود که اگر اینطور باشد تمام کسانی که در جریان ماجرا شرکت داشتند عامل انگلیس بودند و تمام وقایع هم همین‌طور بوده. حتی جریان ۳۰تیر واحکامی که در آن صادر شد. اما بعنظر من انحلال نقوه تنظر توطئه دیگر کلاسیک شده و در واقع کل ماجرا به این صورت است که چه جنبش که یک فرایندی داشته و کودتایی هم در آن صورت گرفته و چون واقعی وجود دارد و از افرادی مثل مکی و بقایی و حائری‌زاده در تاریخ اصلا اشاره نمی‌شود فقط اینکه یک رمانی در تاریخ انجام بگیرد به وجود نوع فرایند. رفراندوم می‌کند اصلا در قابل فرایند لیکن و بایگرگ رو نمی‌کند. تاریخ قضاوت مجموعه رویدادهاست.**

کاشانی: واقعیت انگارشدنی این است که انحلال مجلس با پشتیبانی یا کارگردانی مصدق انجام شده که با مخالفت شدید آیت‌اله کاشانی، دکتر بقایی، دکتر حائری‌زاده روبرو شد و در طیق سوال شما که آیا مصدق خودزنی کرده است؟ باید بگویم که اینها همه سناریوهایی بود که انگلیس تعریف یک قدیمی مصدق هم عامل اجرای آن بود.

ط) چه ماهیتی برای دکتر مصدق داشته است؟

کاشانی: دکتر مصدق یک شخصیت ملی بود که انگلستان و آمریکا نمی‌توانستند با او کنار بیایند چون دست‌ور در هم در تبعید بمیرد چه سودی برای او داشته است.

تا رفراندوم انحلال مجلس فراهم شود، خوشبختانه خاطرات صدیقی موجود است که گفته استماعا خواهد داد چون در مجلس بادار شده بوده که این دولت به هیچ عنوان قصد انحلال مدنظر و صدیقی در خاطراتی در خواست می‌کند که تا رو زیر هم بسر کند تا ما هم بدانیم کسانی که در مجلس با صدیقی و هم سنجابی این نکته را به مصدق یادآوری کرده بودند که اگر مجلس را منحل کند شاه هم دستور عزل مصدق را صادر خواهد کرد.

ی) از طرف دولتی مصدق سناریو نمایشی انحلال مجلس را بازی کرد ۳۲ نفر از نمایندگان در برابر استادند چون ۵۷ نماینده استعفا کردند و سرانجام با رفراندوم آیت‌اله کاشانی در بیانیه مصدق که صادر کرد این حرکت مصدق را قیام علیه نهضت مشروطه اعلام کرد. سیدابوالقاسم حائری‌زاده رهبر فراکسیون آزادی می‌گفت که انحلال مجلس قیام علیه حکومت ملی است و قیام علیه حکومت ملی طبق ماده۲۸۶ قانون مجازات عمومی آن زمان کیفرش اعدام بوده است. دکتر بقایی روز ۱۳ مرداد نامه‌ای به صدیق نوشتند و از خواهش کرد که نتایج رفراندوم را اعلام نکند تا مصدق توفقه بشد. اما در ادامه می‌گوید که اگر مجلس منحل نشده بود شاه تمایل نداشت که یک نظامی نخست‌وزیر شود تا امریکا و انگلیس به دنبال راه‌حلی بودند تا نظر شاه را برای نخست‌وزیری زاهدی جلب کنند و شاه در پاسخ غیرات هنرمون این عبارت را می‌گوید که سه‌شرط دارد یک باید از راه قانونی و پارلمانی به قدرت برسد. دو حالا باید بیمبینیم این شرط چگونه محقق شد اگر مجلس وجود نداشت حق نداشت فرمان عزل مصدق و نصب زاهدی را صادر کند بنابراین زمینه شرط شاه باید اجرا می‌شد. شاه می‌گوید که من علاقه دارم که مسافه نفت به دست مصدق تمام شود نه به دست زاهدی بنابراین در نهم خرداد شاه همچنان علاقه داشت که مصدق نخست‌وزیر باشد اما برای اینکه فرمان نخست‌وزیری برای زاهدی صادر شود لگاسلان سناریو لحظال مجلس را طراحی و مصدق آن را اجرا کرد روز ۲۲ تیر صدق در مجلس در دکتر صدیقی و دکتر سنجابی آن را کلید می‌زند و به آنها پیشنهاد می‌دهد که مجلس را منحل کنند و دلیل می‌آورد که مجلس به آنها ضربه خواهد زد. صدیقی و سنجابی می‌گویند اکثریت مجلس با ماست و کاری از دست اقلیت برنمی‌آید ولی مصدق همچنان اصرار می‌کند

و رسید هم دریافت کرده است.

باوند: آقای کاشانی شما در یک پروسه‌ای شریک بودید. اگر جریانی که می‌گویید درست باشد معنی آن این است که شما هم در انجام برنامه انگلیسی‌ها شرکت داشتید می‌گویید دکتر مصدق از ابتدای این جریان عامل انگلیسی‌ها بوده. شما در این قوایند تا کجا مشارکت داشتید؟ اشاره کردید که در این دو سال نیز بسته شد. وقتی دولت انگلیس حتی با تونسل به نفوهای جنگی اجازه نمی‌دهد کشتی‌های نفت تجهیز شود تا صبور و شرکت‌های آمریکایی اجازه کار کند خارجی نیست به هیچوجه نفتی از ایران بخرند یا نقل و انتقالی صورت گیرد وقتی دو کشور وارد مناقشه و جنگ با یکدیگر می‌شوند